



گفت‌وگو با گل فروش خیابان هنرور

## زبان گل‌ها را می‌فهمم

هم محلی

که آقای درودی بر پشت بام خانه‌اش گلخانه دارد. رفت‌وآمد همسایه‌ها با این اقدام شروع شد: «همسایه‌ها از همان روزهای اول می‌آمدند و برایشان گلدان گل‌هایشان را عوض می‌کردم به مرور تجربه‌ام زیاد شد و به سؤال‌های همسایه‌ها درباره نگهداری گل‌ها جواب می‌دادم. کارو بارم رونق گرفت. همسایه‌ها و اطرافیانم از گلخانه‌ام گل می‌خریدند. بعد از ۲ سال پایم به بازارچه‌های کارآفرینی باز شد. حالا ۵ سال می‌شود که در این بازارچه‌ها غرفه می‌گیرم.»

درودی آن قدر به گل و گیاه علاقه دارد که ساعت‌ها وقتش را در گلخانه می‌گذراند: «وقتی در گلخانه مشغول کار هستم، گذر زمان را متوجه نمی‌شوم و تا به خودم می‌آیم، می‌بینم از صبح تا ۴ عصر وقتم در گلخانه گذشته است.»

علاقه این گل‌فروش به نگهداری از گل‌ها خلاصه نمی‌شود، بلکه به گفته خودش با آن‌ها آرام می‌گیرد: «اگر حالم خوش نباشد و از چیزی ناراحت باشم، با گل‌ها حرف می‌زنم و به گلبرگ‌هایشان دست می‌کشم. باور کنید حالم بهتر می‌شود.»

از نظر درودی گل‌ها حس آدم‌ها را درک می‌کنند و خودشان هم حس دارند: «در میان گل‌ها بعضی‌هایشان باید نوازش شوند و الا درست رشد نمی‌کنند. من از این نوع گل در گلخانه‌ام دارم. هر وقت به آنجا می‌روم، دستی به گلبرگ‌هایش می‌کشم و با او حرف می‌زنم. حتی اگر وقت نداشته باشم، وقتی از کنارش رد می‌شوم، دستی به این گل می‌کشم که حس کند به آن توجه دارم.»

اسم گل‌ها هم جذاب است. اسم یکی از آن‌ها موسی در گهواره بود. درودی در این باره این‌طور توضیح می‌دهد: «این گیاه وقتی گل می‌دهد، مانند گهواره سبزی است که درونش گل سفیدی است. برای همین به آن موسی در گهواره می‌گویند. البته این نام‌ها را دانشمندان گیاه‌شناسی روی گل‌ها می‌گذارند، نه گل‌فروش‌ها.»

این گل‌فروش ادامه می‌دهد: «همان‌طور که بعضی‌ها مجموعه‌های مختلفی را جمع می‌کنند، افرادی هم هستند که مجموعه‌دار گل و گیاه خاصی هستند. بعضی‌ها کاکتوس جمع می‌کنند. مثلاً دیروز گونه نادری از یک کاکتوس را به گل‌فروشی آوردم. با اینکه کوچک بود، ۱۸۰ هزار تومان قیمت داشت. ۲ ساعت نشد که مشتری آمد و آن را خرید. زامفولبا هم طرف‌داران زیادی دارد و مجموعه‌داران به آن علاقه دارند.»

مشتری وارد گل‌فروشی می‌شود. درودی با گرمی با آن‌ها احوال‌پرسی می‌کند و با حوصله به سؤال‌هایشان پاسخ می‌دهد. به همان گرمی هم از ما خداحافظی می‌کند. ■

اینکه هرکسی علاقه‌ای دارد، کاملاً مشخص است. یکی عشق کتاب است و کتابخانه دارد و ساعت‌ها با کتاب وقت می‌گذراند، طوری که متوجه گذر زمان نمی‌شود، یکی عاشق فضای مجازی است و ساعت‌ها در اینترنت وقتش را صرف می‌کند، روز و شبش را در اینستاگرام و تلگرام می‌گذراند و افتخاراش داشتن چندصد یا هزاران دنبال‌کننده

است، دیگری همه وقتش را صرف نوشتن می‌کند، یکی خرید را دوست دارد و با پول خرج کردن آرام می‌شود، اما عده کمی هم هستند که گل و گیاه آرامشان می‌کند. سید قاسم درودی از همین دست آدم‌هاست. وقتی وارد گل‌فروشی‌اش می‌شوم و به عنوان خریدار دست روی بعضی گل‌ها می‌گذارم، او با علاقه وصف‌ناپذیری از آن‌ها تعریف می‌کند. گویی دارد از بچه‌هایی که سال‌ها هوایشان را داشته و تروخشان کرده است، حرف می‌زند.

او متولد ۱۳۴۱ و در محله طلاب بزرگ شده است. گل‌فروش محله هنرور، عاشق گل و گیاه است. طوری که انسش با گل‌ها دیدنی است. در این گزارش پای گپ و گفت وی نشستیم. آنچه می‌خوانید، نتیجه این گفت‌وگوست.

سیدقاسم درودی ۳۰ سال در امور اداری سپاه مشغول کار بوده و در زمان خدمتش در سپاه مسئول خرید بوده است. رفتن به گلخانه برای خرید گل باعث شد متوجه شود چقدر آن فضا و گل‌ها را دوست دارد و همین باعث شد وارد این کار شود: «وقتی در گلخانه به اطرف نگاه می‌کردم، حس کردم چقدر حالم در میان گل‌ها خوب است. با خودم تصمیم گرفتم یک روز خودم گلخانه راه بیندازم. آن موقع در قم مأمور بودم. وقتی بازنشست شدم و به مشهد آمدم، تصمیمم را عملی کردم.»

حالا ۷ سال از آن تصمیم و آن زمان می‌گذرد. درودی در گام نخست گلخانه‌ای ۶۰متری در پشت بام خانه‌اش احداث کرد: «برای احداث گلخانه و شروع به کار مدام به گلخانه‌ها می‌رفتم و از آن‌ها درباره نگهداری گل‌ها و ساخت گلخانه سؤال می‌کردم. البته فضای اینترنت هم به هر سؤالی پاسخ می‌دهد. اگر جایی سؤالی برایم پیش می‌آمد، گوگل به دادم می‌رسید (می‌خندد).»

۷ سال پیش درودی با ۵ میلیون تومان گلخانه راه انداخت و به قول خودش الان ساخت گلخانه ۲۰ میلیون تومان هزینه می‌برد. آرام آرام همسایه‌ها خبردار شدند



وقتی در گلخانه مشغول کار هستم گذر زمان را متوجه نمی‌شوم

